موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

دلالت حدیث مدینه العلم بر عصمت امیرالمومنین (ع)

موضوع بحث بررسی مفاد و مدلول حدیث مدینه العلم است. در گفتار پیشین دلالت این حدیث بر اعلمیت و افضلیت امیرالمومنین(ع) بیان شد. در این جلسه به بررسی دلالت آن بر عصمت آن حضرت می پردازیم:

1. پیامبر اکرم (ص) با استناد به ادله مورد اجماع، جامع همه علومی بودند که در هدایت انسان موثر بوده است، زیرا هدف اصلی رسالت ایشان هدایت بشر به طریق جامع سعادت بوده است.

2. قرآن کریم منبع و مصدر اصلی علوم وحیانی است چنانکه می فرماید: «وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ »[[1]](#footnote-1). بعد از قرآن سنت نبی (ص) نیز منبع علوم دینی برای هدایت بشر است، کما اینکه قرآن می فرماید: « يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ‏ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ »[[2]](#footnote-2). آن حضرت هم آیات را بر مردم تلاوت می فرمودند و هم در جهت تزکیه مردم ماموریت داشتند و هم مامور تعلیم قرآن به مردم بودند. در جای دیگر می فرماید: « وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ‏ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُون‏»[[3]](#footnote-3): ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به سوی آنان نازل شده بیان کنی. بنابراین قرآن و سنت دو منبع اساسی احکام اسلامی به شمار می رود.

3. قرآن کریم و سنت نبوی (ص) از هر گونه خطا و اشتباهی مصون است. درباره قرآن آمده است: « لا يَأْتيهِ‏ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزيلٌ مِنْ حَكيمٍ حَميدٍ»[[4]](#footnote-4) یعنی هیچ گونه باطلی در مورد قرآن راه ندارد نه از آن جهت که از منبع اعلی دریافت می شود و نه از آن جهت که پیامبر آن را به مردم می رساند. در باره سنت نیز آمده است: « و ما ینطق عن الهوی. ان هو الا وحی یوحی»[[5]](#footnote-5) آنچه ایشان بیان می کند همه وحی الهی است؛ در وحی نیز خطایی راه پیدا نمی کند. بنابراین کتاب و سنت که منابع مهم احکام دینی اند، از هر گونه خطا و اشتباهی مصون هستند.

4. فلسفه مصونیت وحی و سنت از خطا چیست؟ این بدان خاطر است تا دستورات االهی بدون هیچ گونه خطایی به مردم برسد. قرآن در این باره می فرماید: « إِلاَّ مَنِ ارْتَضى‏ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَداً»[[6]](#footnote-6) خداوند، رسول را رصد و مراقبت می کند تا دستورات به درستی به مردم ابلاغ شود. تعبیر «لیعلم» در این آیه به معنای علم فعلی است یعنی آن علم ذاتی الهی تحقق عینی پیدا کند. بنابراین فلسفه مصونیت وحی الهی از خطا این است که دستورات الهی به صورت صحیح به مردم رسانده شود.

نتیجه این مقدمات: از آنجا که طبق حدیث مدینه العلم، امام علی (ع) باب مدینه پیامبر (ص) است، و اگر بنا باشد آنچه پیامبر اکرم (ص) بدون خطا آورده، بدون خطا هم ابلاغ و به مردم برسد، باید راه دستیابی به آن معارف که امیرالمومنین (ع) هم هست نیز بدون خطا باشد. و الا اگر این دری که قرار است از طریق آن به علم پیامبر (ص) دست یافته شده مصون از خطا نباشد، در این صورت همه آن تلاش های قبلی بیهوده خواهد بود، و غرض از عصمت قرآن کریم و پیامبر (ص) بر آورده نخواهد شد. این نکته نشان می دهد که امیرالمومنین (ع) از صفت عصمت برخوردار بودند، کما اینکه شواهد دیگری بر این مطلب هست مانند آیه تطهیر و روایات ذیل آن، حدیث ثقلین، حدیث سفینه، حدیث علی مع الحق و حدیث علی مع القرآن.

برخی از عالمان اهل سنت در شرح حدیث مدینه العلم، نام عصمت را در مورد امیرالمومنین (ع) نیاورده اند، اما مطلبی گفته که بیان گر همان عصمت حضرت است. محمد بن طلحه شافعی در «مطالب السئول فی مناقب آل الرسول» می گوید: این سخن پیامبر بیان گر آن است که علی (ع) از نظر علم و حکمت به منزله درب شهر و خانه علم آن حضرت بودند. نقش درب آن است که حفظ آن چیزی است که در خانه است. بنابراین معنای حدیث این است که امیرالمومنین (ع) حافظ علم پیامبر (ص) و طریق دستیابی به آن بودند و از علم آن حضرت چیزی ضایع نشده است . درباره مقام او همین امر کافی است که پیامبر اکرم (ص) وی را حافظ حکمت و علم خویش قرار داده است.[[7]](#footnote-7)

دلالت حدیث مدینه العلم بر مرجعیت علمی و میزان داوری امیرالمومنین (ع)

معنایی دیگری که از حدیث مدینه العلم به دست می آید مرجعیت ورهبری علمی امیرالمومنین (ع) و میزان بودن ایشان در داوری بوده است. اثبات این مطلب لازمه مباحث قبل است و توضیح آن چنین است:

1. فراگیری علوم از پیامبر (ص) مختص امیرالمومنین (ع) نبوده است دیگران نیز از آن حضرت استفاده می کردند.

2. رسانده کلام پیامبر (ص) به دیگران، از اختصاصات امیرالمومنین (ع) نبوده و توسط دیگران نیز صورت می گرفته است .

3. ویژگی خاص امیرالمومنین (ع) در میان صحابه این بوده که آن حضرت به صورت کامل و جامع از علوم پیامبر (ص) مطلع بودند و آن را به صورت کامل برای مردم تبیین کنند.

از این مطلب بدست می آید که آن حضرت همچنین، میزان داوری در نقل روایات و اختلاف در احکام دینی بوده اند. بر این اساس اولا صحابه دیگر برای اینکه به صورت کامل از علم پیامبر استفاده کنند باید به امیرالمومنین (ع) رجوع می کردند. ثانیا در مورادی که در نقل روایات و یا فهم و تبیین روایات اختلافی به وجود می آمد، وظیفه آن بود که به امیرالمومنین (ع) رجوع شود. ابن عباس می گوید: «كنّا إذا أتانا الثّبت عن عليّ لم نعدل به»: رفتار ما صحابه چنین بود که اگر از طرف علی بن ابیطالب (ع) چیزی به ما می رسید و ثابت می شد، دیگر از آن عدول نمی کردیم.[[8]](#footnote-8) این روایت بیان می کند که اگر از طریق گزارشات تاریخی به دست آید که برخی صحابه نظری که داشتند و مخالف با امیرالمومنین (ع) بود را بر نظر حضرت ترجیح می دادند، تبعیت کامل از پیامبر (ص) نداشتند، زیرا تبعیت کامل همان است که ابن عباس در این رویات نقل کرده است.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره نحل، آیه 89 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره آل عمران، آیه 164 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره نحل، آیه 44 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره فصلت، آیه 42 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره نجم، آیه 3 و 4 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره جن، آیه 27 [↑](#footnote-ref-6)
7. مطالب السئول، محمد بن طلحه شافعی، ص 98 [↑](#footnote-ref-7)
8. الاستیعاب، ابن عبد البر، ج3، ص 1104 [↑](#footnote-ref-8)